



مجله اقتصادی

معاونت داخلی حوزه معاونت امور اقتصادی
دوره دوم • سال اول • شماره ۱۰ - مرداد ۱۳۸۱

- صاحب امتیاز: معاونت امور اقتصادی
- مدیرمسئول: سعید شیرکوند
- سردبیر: علی دهنی ترکمانی

سرآغاز سخن: دور فزاینده انفلو سرمایه اجتماعی، قرار مغزها و کاهش سرمایه انسانی ۲

اقتصاد ایران

بررسی عوامل موثر بر لاجبای منحنی لزا کالاهای اساسی خوراکی / داور جسرانسی - خلیل

- ۳ حیدری
- ۱۵ نگاهی بر سیمای پژوهش و تحقیقات در ایران / بابک دایی
- ۱۸ فروش اوراق قرضه ارزی ایران در بازارهای مالی بین‌المللی / علی‌رضا سلطانی

اقتصاد توسعه

صادرات به هر بهایی: نسخه تجارت آزاد آکسفام برای جهان سوم / واندانا شیوا / ترجمه بابک باکراد ۲۰

اقتصاد پول و بانک

تجدید ساختار بازار سرمایه و طراحی نظام مطلوب برای آن / کوروش معدت ۲۲

اقتصاد بین‌الملل

- ۳۳ یادداشت‌کردن توسعه در کشورهای فقیر / اکونومیست / ترجمه محمد ساوجی
- ۳۵ بحران آرژانتین / جوزف هالوی / ترجمه رضا حریری
- ۴۰ جنگ نفت / فرد اسمیت و کنراد شولر / ترجمه محمد جواد طالعی

اطلاع‌رسانی

آشنایی با مکاتب اقتصادی: مکتب استکهلم / نیورن هانسن / ترجمه سیدحسین میرجلیلی ۲۶

چکیده کتاب: رفتار عادلانه جهانی (مروری بر کتاب «دریای جهانی شدن») / جوزف استیگلیتز / ترجمه منیره کاظمی ۲۹

- آشنایی با مفاهیم اقتصادی: کمیابی / سید ابراهیم بیضایی
- مدیر داخلی: انور سهری
- ویراستار: شیوا مقدم
- حروفچین: طوی پورقریان
- طراح: نوشین آذرشین

• • •

مجله در ویرایش مطالب آزاد است. مقاله‌های منتشر شده لزوماً به معنای دیدگاه معاونت امور اقتصادی نیست. مجله اقتصادی با استقبال از طرح نقطه‌نظرهای شما، آماده دریافت مطالب ارسالی است. لطفاً مقاله‌های خود را به نشانی زیر ارسال فرمایید.
عباسیان پاسداران - خ شهید حجت سوری (پست‌بان خاتم) شماره ۶۲/۳ - معاونت امور اقتصادی
کد پستی: ۲۱۴۲ - ۱۹۲۲۸ تلفن: ۲۵۶۳۳۲۰ و ۲۵۶۳۳۲۰-۶

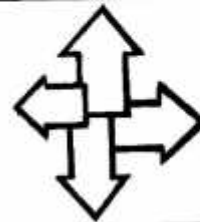
به‌نام خدا

صندوق بین‌المللی پول به نازکی طی گزارشی اعلام کرد که ایران در زمینه قرار مغزها در صدر کشورهای جهان قرار دارد. آنچه در مطلب آغازین این شماره آمده، بحث کوتاه درباره ابعاد و آثار این پدیده است. مطلب اول اقتصاد ایران، از دیدگاهی رایج پدیده لاجبای کالا را به مسأله پارانه کالاهای اساسی نسبت داده و این موضوع را به تفصیل با استناد به داده‌های کالاهای اساسی به بحث گذاشته است. سهم ناچیز هزینه و مخارج تحقیق و توسعه از تولید ناخالص داخلی در مقاله کوتاه «نگاهی بر سیمای پژوهش و تحقیقات در ایران» مورد بررسی قرار گرفته است. مطلب پایانی بخش اقتصاد ایران به بررسی وجوه مثبت و منفی فروش اوراق قرضه ارزی ایران در بازارهای بین‌المللی اختصاص دارد.

واندانا شیوا، یکی از نظریه‌پردازان برجسته و به‌نام مسائل زیست محیطی و همین‌طور فمینیسم با نگاهی بر گزارش نهاد «آکسفام» آن را مورد نقد جدی قرار داده و بر این باور است که این گزارش در همان مسیر توصیه‌های سیاستی صندوق بین‌المللی پول است؛ مطلب «صادرات به هر بهایی» به این موضوع اختصاص دارد. همچنین درباره مسائل زیست محیطی، شکاف میان شمال و جنوب و مشکلات اقتصادی کشورهای توسعه نیافته چندی پیش کنفرانس جهانی با حضور مسؤولان رده اول کشورهای جهان در زوهانسبورگ آفریقای جنوبی با عنوان «کنفرانس زمین» برگزار شد تا درباره مسایل مذکور راه کارهایی به دست داده شود. آنچه در مطلب «یادداشت‌کردن توسعه در کشورهای فقیر» آمده، چکیده‌ای از این موضوعات به روایت مجله اکونومیست است. توضیح و تبیین بحران آرژانتین کما فی السابق ادامه دارد. مطلب «بحران آرژانتین» از دیدگاهی رادیکال این بحران را مورد بررسی قرار داده است. در قسمت دوم مقاله بلند «جنگ نفت» تحولات به وجود آمده در حوزه نفتی دریای خزر و رقابت چین و آمریکا و روسیه بر سر دستیابی به این منابع بررسی شده است.

بخش اطلاع‌رسانی سه مطلب را در بر می‌گیرد. مطلب اول به روال شماره‌های پیشین یکی دیگر از مکاتب اقتصادی، مکتب استکهلم، را به روایت فرهنگ اقتصادی نوین پاول گریو ارائه می‌کند. مطلب دوم، بررسی خواندنی است از کتاب «دریای جهانی شدن» به قلم جورج سوروس. این مطلب را جوزف استیگلیتز نوشته و طی آن دیدگاه‌های یکی از بزرگترین سفته‌بازان مالی دوران جدید درباره اقتصاد جهانی را با نظری مثبت مورد بررسی قرار داده است. مطلب پایانی این بخش، در پی معرفی مفهوم کمیابی به مثابه یکی از مهم‌ترین مفاهیم اقتصاد متعارف است.

اطلاعات رسانی



آشنایی با مکاتب اقتصادی: مکتب استکهلم*

بیورن هانسن

ترجمه حسین میرحلیلی

دکترای اقتصاد و استادیار پژوهشکده اقتصاد پژوهشگاه علوم انسانی
و مطالعات فرهنگی

مکتب استکهلم بین سال‌های ۱۹۲۷-۱۹۳۷ به عنوان يك مکتب متمایز و جداگانه علم اقتصاد وجود داشت. نام این مکتب را از هشتین^۱ در مرور کتاب «نظریه عمومی» به آن داد. (آهلین، ۱۹۳۷). «مکتب» در این‌جا به عنوان یک توسعه دارای ارتباط درونی^۲ موضوع مشترک میان اعضای آن تعریف شده است که میردال^۳، لیندال^۴، هامارگراند^۵، آهلین و لاندبرگ^۶ را در برمی‌گیرد. موضوع مشترک، توسعه روش‌های پویا^۷ است که اشاره به اندیشه‌هایی مانند تعادل موقت و تعادل بین دوره‌ای^۸ دارد.

توسعه روش‌های پویا یک مطلب بدیع است. هیچ گونه شواهدی وجود ندارد که اعضا در هر طریق معناداری از سایر اقتصاددانان معاصر تأثیر پذیرفته باشند. بعد از ۱۹۳۷ نشانه‌های روشنی وجود دارد که اقتصاددانان سوئدی برداشتی از ایده‌های هیکس و ساموئلی‌سون^۹ داشته‌اند (هانسن، ۱۹۵۱). در مکتب استکهلم بیشتر ما قایل اقتصاد کلان به کار برده شده است و شباهت‌هایی با «نظریه عمومی» کینز دارد، ولی آن‌ها اصل تقاضای مؤثر را بنیاد ننهاده‌اند. (هانسن، ۱۹۸۲؛ لندگرن، ۱۹۶۰؛ پاتینکین، ۱۹۸۲. استیگر، ۱۹۷۱).

رویکرد تعادلی^{۱۰} نخستین مشارکت در توسعه روش پویا در ۱۹۲۷ و ارائه تئور میردال با عنوان: *Prisbildningsproblemet och foranderligheter* (مسأله شکل‌گیری و تغییر قیمت) است. به عنوان مثال روش وی پیش‌بینی داده‌ها یا تعیین‌کننده‌های فوری قیمت‌های مناسب است. انگیزه مستقیم این ایده به نظر می‌رسد بررسی ناقص

کاسل^{۱۱} از مسأله پویا باشد که میردال آن را مورد بحث قرار داده است. شعول پیش‌بینی‌ها دلالت بر آن دارد که تغییرات پیش‌بینی شده آینده دارای اثراتی بر فرایند اقتصادی است، پیش از آن که آن‌ها در عمل تحقق یابند. بنابراین تعیین نظری یک تعادل باید پیامدهای پیش‌بینی شده تغییرات احتمالی باشد.

روش میردال در قرار دادن اثرات پیش‌بینی شده در کنار سایر داده‌ها، روش انتظاره نامیده شده است که به معنای در نظر گرفتن انتظارات به عنوان متغیرهای صریح در یک نظریه رسمی تعادل است. (هیکس، ۱۹۷۳: ۵۱۲۳، ۱۱).

لیندال بنیان‌گذاری تعادل موقت و بین دوره‌ای را به عنوان مثال‌هایی از یک «رویکرد تعادلی» به کار برد، به این معنا که برای هر فرد و کالا، قیمت پیش‌بینی شده دستیابی به موازنه عرضه و تقاضا است و بنابراین تمامی انتظارات تحقق یافته است. لیندال نیز فرض پیش‌بینی کاسل^{۱۱} را به عنوان یک شرط ضروری برای تعیین موقعیت قیمت به عنوان یک وضع از تعادل در نظر گرفت.

هدف لیندال در مقاله «جایگاه سرمایه در نظریه قیمت»^{۱۲} (۱۹۲۹) تحلیل اثرات کالاهای سرمایه‌ای در تعیین تعادل ایستا است. تعادل بین دوره‌ای از کمبودهای ایستاهای مقایسه‌ای در بررسی برخی از مسائل مربوط به این تحلیل پدیدار می‌شود و هدف آن حل کردن مسائل نظری کلان^{۱۳} است. هایلک پیشتر تعادل بین دوره‌ای را در ۱۹۲۸ بنیان‌گذاری کرده بود، ولی هیچ‌گونه شواهدی وجود ندارد که لیندال در آن زمان از مقاله هایلک آگاه بوده است.

تعادل بین دوره‌ای می‌تواند شرایط پویا را تحلیل کند. زیرا حرکتی در این نظام وجود دارد. به هر حال فرمول‌بندی ریاضی نشان می‌دهد که هیچ‌گونه حرکتی به صورت معنادار وجود ندارد، چون فرمول بندی ریاضی تعیین همزمان قیمت‌ها، مقادیر و میزان بهره برای تعامی دوره‌ها با فرض تعادل در دورن هر دوره است. توسعه تعادل موقتی لیندال از این بی‌کفایتی تعادل بین دوره‌ای ناشی شده است. وی به دنبال روشی بود که تحلیل قیمت‌های نسبی در هر دوره و روابط قیمت میان دوره‌های مختلف را در بر می‌گیرد و تعادل موقتی فرصت حل این مسأله بود.

مفهوم دوره نشن مهمی در تعادل موقت و تعادل بین دوره‌ای به عنوان روش‌های تحلیل شرایط پویا ایما می‌کند. تفاوت اصلی میان شرایط موقت^{۱۴} و پویا این است که در شرایط ایستا، عوامل تعیین‌کننده قیمت‌ها - داده‌ها - به‌طور مستمر در حال تغییر است. شرایط پویا در عمل دلالت بر تغییرات مداوم در داده‌ها دارد ولی لیندال به دلایل تحسبی فرض می‌کرد که: فرایند پویا به دوره‌های زمانی بسیار کوتاهی تقسیم شده است که موجب تأثیر عوامل به‌طور مستقیم بر قیمت‌ها هستند؛ بنابراین قیمت‌ها خودشان نیز می‌توانند به‌عنوان تغییر یافته، در هر دوره، در نظر گرفته شوند.

بنابراین تحسبی این‌گونه تغییرات فرض شده است که در نقاط انتقال میان دوره‌ها تحقق می‌یابد. در این صورت افزایش قیمت‌ها می‌تواند به‌عنوان یک سری از موقعیت‌های قیمتی پایان^{۱۵} توضیح داده شود. (لیندال، ۱۹۳۰ ص ۱۵۶)

تقسیم فرایند پویا به دوره‌های مختلف، در ابتدا تنها به‌عنوان یک

استکهلم نشان نداده بود که ارتباطی میان طرح‌های ثابت و طول دوره وجود دارد، اما بعد از طرح مطلب وی فرض بیشتر این بود که در طرح‌های دوره زمانی، طرح‌های تغییر نیافته، تعیین‌کننده طول هر دوره است.

مانند سایر اعضای مکتب استکهلم، اوهلین علاقمند به توضیح تغییرات سطح قیمت بود، ولی وی خواهان ارائه عمومی‌ترین تحلیل از نیروی محرک در ورای جابه‌جایی‌های قیمتی نیز بود. تبیین وی بیان مجددی از ایده قدیمی طرفداران ویکسل است. تبیین تغییرات قیمت باید به عوامل مؤثر بر عرضه و تقاضای کالاهای مصرفی و کالاهای سرمایه‌ای بنگرد.

بنابراین تعجب‌آور نیست که اوهلین، ایده نامتعادل بودن بازار سرمایه به‌عنوان نمایانگر نیروی محرک - نشان رویکرد هواداران ویکسل - را توضیح بسیار محدودی یافت؛ به‌ویژه که وی می‌تواند مثال‌هایی بیاورد که نبود تعادل در بازار کالاهای مصرفی عامل اصلی در ورای تغییر قیمت است.

گسترش خاص نظریه کلان ویکسل‌ها توسط اوهلین عبارت بود از تلفظ صریح وی از تغییرات مستقل^{۲۲} در مصرف که به‌نظر می‌رسد ارزیابی اوهلین از مشارکت خودش در مکتب استکهلم قلمداد می‌شود. (ن. ک. اشلیگر، ۱۹۷۶، ص ۳۵۶، ۲۲). اما وی هیچ‌گونه مشارکت مهمی در روش پویا نداشته است.

تحلیل توالی^{۲۳} مقاله لیندال با عنوان "یادداشتی دربارهٔ مسأله قیمت‌گذاری پویا" که مقاله‌ای کوتاه (چهار صفحه) و به‌طور خصوصی در ۱۹۳۴ توزیع شده است، منبای تحلیل توالی است. دست نوشته منتشر شده وی با عنوان "مقدمه‌ای بر نظریه جابه‌جایی قیمت‌ها در یک اجتماع بسته" (۱۹۳۵) ایده خود را درباره رهیافت عمومی پویا ارائه کرد که باید پایه‌ای برای تمامی نظریه‌ها باشد. اغلب این ایده‌ها پس از مدتی در کتاب "رویکرد پویا در نظریه اقتصادی" (۱۹۳۹) دوباره ارائه شد.

به‌منظور تعریف یک توالی معین^{۲۴} لازم است اثبات کنیم که اعمال مشخص بشر در یک نقطه مشخص زمان ضرورتاً از یک وضع معین پیروی می‌کنند. در هر حال اعمال بشری با نتایج اعمال بشری، جبری^{۲۵} نیستند و نمی‌تواند همانند رویدادهای جهان طبیعی توضیح داده شود؛ اما تنها یک مسأله برای تناسب تجربی این نظریه است و نشان نمی‌دهد که این نظریه غیرمنسجم است. بنیان‌گذاری یک نظریه پویا، مسأله را "حل" می‌کند. لیندال به منظور توسعه رویکرد پویای عمومی خود، باید فرض می‌کرد که اعمال فردی نشان دهنده انجام طرح‌های معین است که در آغاز دوره، طبق اصول صریح تعیین شده است و به روشنی حجم معینی از زمان را می‌گیرد تا این اعمال تحقق پیدا کند و دوره‌ای از زمان را شامل می‌شود. تا آنجا که به تغییرات در طرح‌ها مربوط است، لیندال فرض کرد که طرح‌ها در نقطه انتقال میان دو دوره بیایی تحقق می‌یابد و براین دلالت دارد که یک دوره به‌وسیله طرح‌های تغییر نیافته تعریف می‌شود. این موضوع را هامارسکژولد نیز اشاره کرده بود. مفهوم طرح تقریباً از آغاز مکتب استکهلم نقش کانونی در این مکتب ایفا کرده است. اما اکنون به‌طور صریح به‌عنوان محور برای روش پویا مطرح می‌شود.

به‌منظور توسعه تحلیل توالی، لیندال فرض کرد که در یک نقطه دلخواه در زمان (t) طرح‌های برای تولید و مصرف در یک دوره معین زمانی مفروض است. (1 + t). که به معنای آن است که اگر

تمهید اکتشافی^{۲۶} بود، اما پس از آن هامارسکژولد به آن یک پایه تحلیلی داد.

کاربرد تعادل موقت دلالت می‌کند بر این‌که برای هر دوره، قیمت‌ها در وضع تعادل هستند. به این معنا که برابری میان عرضه و تقاضای طی دوره وجود دارد؛ تعیین قیمت‌ها به عنوان سیستمی از معادلات برای هر دوره توضیح داده شده است.

در این صورت فرایند پویا به عنوان یک سری از تعادل‌های موقتی تحلیل شده است و نشان می‌دهد که مفهوم تعادل موقتی قبل از انتشار کتاب "ارزش و سرمایه" هالک (۱۹۳۹) گسترش یافته است.

تقریباً بلافاصله لاندبرگ و میردال تحلیل لیندال را مورد انتقاد قرار دادند. نقد لاندبرگ تنها مربوط به تعادل بین دوره‌ای است ولی نقد وی برای تعادل موقتی نیز معتبر است. ضعف اصلی این است که اصلاحات لازم برای اختلالات^{۲۷} توضیح داده نشده و خارج از الگو هستند و بنابراین توالی بیایی تعادل‌ها^{۲۸} توضیح داده نشده است. (لاندبرگ، ۱۹۳۰، ص ۱۵۷ و میردال، ۱۹۳۹، ص ۱۲۲). علسنر گمشده، تحلیل فرایند اصلاح^{۲۹} است. یعنی این‌که یگویییم «پیونده میان دوره‌های بیایی توضیح داده می‌شود. در واقع لیندال خودش بعدها روش خود را به عنوان معرفی «مسائل پویا در داخل چارچوب ایستاد توصیف کرد. (لیندال، ۱۹۳۹، ص ۱۰). زیرا این روش می‌تواند تمامی ابزارهای ایستا را برای تحلیل یک توالی پویا^{۳۰} به‌کارگیرد.

رویکردهای عدم تعادل: در کتاب «تعادل پویا» (۱۹۳۱) میردال به یک بازسازی انتقادی از میزان بهره‌رژیم ویکسل دست زد؛ نقطه آغاز، تحلیل لیندال در کتاب «میزان بهره و سطح قیمت» بود. در هر حال مهم‌ترین مشارکت مکتب استکهلم بنیان‌گذاری محاسبه مشهور سطح فعالیت مورد انتظار (ex ante) تحقق یافته (ex post) بود.

پیش‌بینی‌های مربوط به سطح فعالیت مورد انتظار نیروی محرک در فرایند پویا هستند، اما نتایج فعالیت‌های تحقق یافته هنوز ناشی ایفا می‌کنند، زیرا پایه‌ای برای محاسبات مربوط به سطح فعالیت مورد انتظار آبی هستند.

این شیوه به‌گونه‌ای ساخته شده است که همواره یک موازنه تحقق یافته وجود دارد. اما مسأله جالب توجه، تجزیه و تحلیل تغییرات طی دوره‌ای است که لازم است تا سبب موازنه تحقق یافته فعالیت‌ها شود. این تغییرات باید نتیجه پیش‌بینی‌هایی ناسازگار یا ناشی از تغییرات برون‌زا طی این دوره باشند. این تحلیلی تا کاتی لیندال از تغییرات در حال موازنه بود که میردال و لاندبرگ به درستی مورد انتقاد قرار دادند. تغییرات ناشی از مداخله نمی‌تواند توضیح داده شود، زیرا زمان به تعدادی از دوره‌های تعادلی کوتاه مدت تقسیم شده است که طی آن هیچ‌گونه تغییراتی اتفاق نمی‌افتد. به‌هر حال یا کاربرد مفهوم مورد انتظار و تحقق یافته که تحلیل خاصی از تغییرات ناشی از مداخله ارائه می‌کند، می‌تواند از لباس تنگ رویکرد تعادلی رها شد که تعادل موقت بر آن دلالت دارد.

هامارسکژولد نخستین کسی بود که در مکتب استکهلم یک توضیح صریح از ابزارهایی که توسط آن‌ها دو دوره در یک رویکرد نامتعادل می‌تواند به یکدیگر متصل شود، ارائه کرد. لیندال و میردال هر دو - با وضوح کمتر یا بیشتر - معتقد بودند که تغییرات غیرمنتظره در سطح قیمت و تغییرات همراه یا درآمد. فرایند را در حال جریان حفظ خواهد کرد، ولی معادلات آن‌ها هیچ‌گونه ارتباطات رسمی با طرح‌ها^{۳۱} در دوره‌های بیایی نداشت. قبل از هامارسکژولد هیچ‌کس در مکتب

قیمت‌ها معلوم باشد آنگاه اعمال فردی برای آن دوره تعیین شده هستند؛ قیمت‌های عرضه طی این دوره داده شده‌است و تمامی تغییرات در قیمت‌ها و طرح‌ها در منطقه انتقال میان دو دوره پیاپی تحقق می‌یابد، یعنی روش قیمت ثابت برای تحلیل به کار رفته است. در این صورت مسأله‌ای که باید حل شود، به این شرح است:

تجزیه و تحلیل آنچه طی دوره مورد نظر اتفاق می‌افتد یعنی تعیین وضع در نقطه $t+1$ آن گونه که از وضع نقطه t نتیجه می‌شود. هنگامی که این مسأله حل شده، وضع نقطه $t+2$ می‌تواند به همان طریق توضیح داده شود، آنچنان که از وضع نقطه $t+1$ نتیجه می‌شود و به همین ترتیب تحلیل ادامه می‌یابد. بنابراین حل این مسأله بر حل کل مسأله پویا دلالت دارد. (لیندل، ۱۹۳۲، ص ۲۰۴).

این راه حل در کئی مسأله پویا نقش دارد. به این معنا که همان روش می‌تواند برای دوره $(t+1)$ تا $(t+2)$ در نقطه $t+1$ به کار رود. این یک مثال از یک تحلیل یک دوره‌ای است، که نشان می‌دهد که چه چیزی فراتر است در یک دوره زمانی اتفاق افتد چگونه طرح‌های معین مورد انتظار در آغاز این دوره منجر به تعیین نتایج تحقق یافته در پایان دوره می‌شود. اما تمامی فرایندها پویا (از $t+1$ تا $t+2$ و پس از آن) در نقطه t را تعیین نمی‌کنند. همچنین لازم است که یک تحلیل تداوم داشته باشیم تا اثرات نتایج تحقق یافته در دوره کنونی برای طرح‌های دوره پس از آن را نشان دهد. روشن است که هر دو بخش، اجزای یک تحلیل توالی است و فرض شده است که تعیین‌کننده فرایند اندازه‌گیری در چندین دوره پیاپی است.

به منظور حل این تحلیل یک دوره‌ای، لیندل فرض کرد که طرح‌های مخارج تا آن جا که به مقادیر مربوط است، تحقق یافته است و دلالت دارد بر این که عوامل تولید بیکار و موجودی کافی کالاها وجود دارد و بنابراین تمامی تعدیلات طی یک دوره می‌تواند از طریق تغییرات در موجودی‌ها تحقق یابد. نقش این فرض این است که نشان دهد اقدام‌های این دوره می‌تواند به طور مستقیم از طرح‌های مربوط به زمانی که قیمت‌ها در آغاز دوره معین است، به دست آید. از این رو نتیجه این دوره یک پیامد ضروری طرح‌های مورد انتظار برای دوره جاری است.

تعیین نتایج تحقق یافته از طرح‌های معین مورد انتظار در زمان t ، دلالت بر آن ندارد که فرایند در حال جریان بعد از زمان $t+1$ می‌تواند در زمان t بدون فروض بیشتر تعیین شود. فرض مهم تحلیل تداوم مربوط به رابطه میان طرح‌های مورد انتظار برای دوره آتی و نتایج محقق شده برای دوره کنونی است. در این جا لیندل فرض می‌کند که اگر طرح‌ها انجام شود و هیچ‌گونه تغییراتی در رویدادهای بیرونی خارجی وجود نداشته باشد، آنگاه امکان‌پذیر است فرض کنیم که یک رابطه تابعی ساده میان طرح‌های مورد انتظار برای دوره بعد و نتایج محقق شده دوره کنونی وجود دارد.

کاربرد این فرض برای چندین دوره این نتیجه را حاصل می‌کند که کلی فرایند پویا می‌تواند از داده‌هایی استخراج شود که در آغاز اولین دوره داده شده است. بنابراین در تحلیل لیندل، هر دوره‌ای، در تعادل است و این نوع از تحلیل توالی می‌تواند به عنوان نوعی تعادل متحرک تفسیر شود. لاندبرگ این فرض را کنار گذاشت که طرح‌ها نباید در هر دوره انجام شود. این فرض تفاوت میان تحلیل توالی تعادل و بدون تعادل است. گسترش تحلیل توالی توسط لاندبرگ در مطالعاتی در نظریه گسترش اقتصادی (۱۹۳۷) صورت گرفت که در آن رویکرد بدون تعادل را به کار برد، در حالی که آن هم یک فرایند تعادلی است و همین ویژگی در طرفه بی تعادلی و تعادل در تحلیل توالی لاندبرگ است که بری درک اهمیت دارد.

لاندبرگ تعادل ایستا را مورد انتقاد قرار داد. اما این‌گونه اندیشه‌های تعد در سرتاسر هنوز برای توضیح دادن توسعه روابط جمعی مورد

استفاده قرار گیرد. در واقع اگر تحلیل توالی امکان‌پذیر باشد، آنگاه برخی روابط تعادلی، حتی خارج از تعادل، باید برقرار باشد و بنابراین بر ساخت‌های تعادلی نقش بنیادین در تحلیل توالی ایفا می‌کند. پرسش این است که تا چه اندازه بر ساخت‌های تعادلی می‌تواند در تحلیل توالی استفاده شود، که با مقولات جمعی آغاز می‌شود. تحلیل لاندبرگ، تحلیل توالی بدون تعادل^{۲۸} است. در حالی که لیندل در ۱۹۳۲ تحلیل توالی تعادل^{۲۹} را دنبال کرد. در تحلیل لاندبرگ، مفهوم تعادل به وسیله توابع واکنش ثابت^{۳۰} یک تابع انتظاری از یک فرم ثابت نشان داده شده است که پیش‌فرض برای وجود تعادل طی زمان است (هان، ۱۹۵۲، ص ۸۰۴). بنابراین تحلیل توالی متعلق به فرایندهای تعادلی است. زیرا توابع انتظار ثابت دلالت دارد بر آن‌که طی یک دوره معین زمان که یک جنبه مهم اندیشه کلی تعادل است، رفتار نامتغیر (ثابت) است. از این رو تحلیل توالی بدون تعادل یک فرایند تعادلی است. ولی در همان زمان، یک رویکرد بدون تعادل است چون انتظارات در درون هر دوره محقق نشده است.

آردیابی: بعد از اواخر دهه ۱۹۳۰ اعضای اصلی مکتب استکهلم تقریباً هیچ‌گونه مشارکتی در توسعه روش پویا نداشته‌اند. اغلب آن‌ها فعالیت دانشگاهی محض را نیز رها کردند.

میرال روی مسأله مردم سیاه‌پوست در ایالات متحده در اوایل دهه ۱۹۴۰ کار کرد و سپس وزیر تجارت در دولت سوسیال دمکرات شد؛ در اواسط دهه ۱۹۳۰ هامارسکولد یک کارمند برجسته دولت شد؛ آلمین رهبر حزب لیبرال در اوایل دهه ۱۹۴۰ شد؛ لاندبرگ در ۱۹۳۷ به عنوان نخستین مدیر مؤسسه پژوهشی چرخه تجاری سوئد منصوب شد. لیندل تنها عضو اصلی بود که فقط شغل دانشگاهی را دنبال کرد و از آن زمان تا کنون وی برایندهای اصلی‌اش ثابت قدم بوده است. وی هیچ‌گونه توسعه بیشتری وجود نداشته است.

پی‌نوشت:

1. Ohlin
2. interrelated
3. Myrdal
4. Lindahl
5. Hammarsskjold
6. Landberg
7. dynamic methods
8. intertemporal
9. Equilibrium approaches
10. Cassel
11. perfect foresight
12. The place of capital in the theory of price.
13. macro theoretical
14. Stationary Conditions
15. Successive price Situations
16. Heuristic device
17. Accommodations to the disturbances
18. Successive sequence of equilibria
19. Accommodation process
20. Dynamic Sequence
21. plans
22. autonomous
23. Sequence analysis
24. determinate sequence
25. deterministic
26. continuation analysis
27. Single - period
28. disequilibrium sequence analysis
29. equilibrium sequence analysis
30. fixed response functions

• این مقاله ترجمه‌ای است از منبع زیر:

Bjorn Hanson. Stockholm School. The New Palgrave: A Dictionary of Economics. Vol.4